

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی

سوم اگست ۲۰۱۱

## «مذهب» و داستان «ظهور امام زمان»؟!

### (بخش یازدهم)

#### خلقت زن در ادیان مختلف و مسأله حجاب اسلامی

در طول تاریخ، همواره علم و دانش بشری در تضاد و تقابل با مذهب و نیروهای مافوق بشر بوده است. با این وجود ادیان مختلف کپی برداری از همدیگر هستند و همان مسائل خرافی و غیر علمی را با تفاوت های مختصری از همدیگر تقلید کرده اند. برای مثال، خلقت آدم و حوا و چگونگی از بهشت رانده شدن آن ها از بهشت، با سایه روشن های جزئی کپی برداری از همدیگر هستند.

فروستی و تحقیر زن، از مسائل مهمی است که در طول تاریخ، همواره مورد بحث و نقد واقع شده و درباره آن بسیار سخن گفته و کتاب های بی شمار نوشته شده است. اما واقعیت آن است که ستم بر زنان در جهان متمدن کنونی نیز هنوز وجود دارد. اما وضعیت کمر شکن زنان در کشورهایی که قوانین حکومت آن ها، متأثر از قوانین مذهبی است به هیچ وجه قابل مقایسه با وضعیت کشورهای غربی و حتی کشورهایی چون ترکیه هم نیست. در قرن اخیر، گرایشات چپ و کمونیستی و جنبش های اجتماعی حق طلب و برابری طلب به ویژه جنبش کارگری و سازمان های چپ و سوسیالیست، فمینیست های رادیکال و چپ، تلاش های گسترده ای را در جهت برابری زن و مرد به کار برده اند.

بنابراین، ادیان زن را به عنوان یک انسان کامل و دارای حقوق برابر با مردان به رسمیت نمی شناسند و هزاران توجیه غیر علمی و غیر انسانی می آروند تا با تحقیر و توهین و سرکوفت «نیمه انسان» بودن او را اثبات کنند. در هر حال، مذاهب در تاریخ، در پایمال کردن شخصیت و حقوق زن دارای مواضع مشترک بوده اند و چه بسا ضربه بسیار مخرب به زن و آزادی هایش زده اند. ادیان، در طول تاریخ، همواره گرایش ارتجاعی مردسالاری را باز تولید کرده اند. پس از ظهور سیستم سرمایه داری، مذهب و خدای پول و سرمایه همدیگر را تکمیل کردند و با استثمار نیروی کار در جهت کسب شود بیشتر، از جمله ستم و تبعیض بر زنان را نیز تداوم بخشیدند. بنابراین، آن چه ادیان در مورد زن می گویند، کاملاً با آن چه در جهان امروز باید مدنظر هر انسانی قرار گیرند مغایرت دارند.

انسان با مبارزه پیگیر و دایمی خود و روشنگری تاکنون توانسته به ویژه در دنیای غرب، تا حدودی دست مسیحیت و یهودیت را از دخالت در زندگی بشر محدود کند. اما اسلام هنوز هم در قاره هائی چون افریقا و آسیا و به ویژه در منطقه بحرانی خاورمیانه، هم چنان به وحشی گری های خود ادامه می دهد. در عربستان سعودی که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است؛ زنان حق رانندگی ندارند و استادان مرد در دانشگاه ها از طریق تلویزیون مداربسته به دانش جویان دختر آموزش می دهند. در این کشور، «حافظان ناموس»، حتی تلفن های مردم را کنترل می کنند و اگر دختر و زنی تلفنی با مرد «غریبه» و «نامحرمی» سخن بگوید، تحت تعقیب قرار می گیرد. از این رو، اسلام نه تنها درباره حقوق زن و آزادی هایش، بلکه با هر نوع آزادی و برابری به ستیز برمی خیزد و مانع همبستگی انسان ها می شود.

قدیمی ترین نظریه در مورد خلقت زن، نظریه افلاطون است که می گوید: «انسان در اول دو جزء نبود بلکه در اثر ارتکاب گناه، مورد غضب خداوند قرار گرفت و به دو جزء نر و ماده تقسیم گردید». (علی اکبر علویقی، زن در آئینه تاریخ، ص)

«ایرانیان باستان نیز اعتقاد داشتند، کیومرث اولین انسان بود که وارد زمین گردید و سی سال در کوهستان ها زندگی نمود و در موقع مرگ نطفه ای از پشتش چکید و در اثر تابش آفتاب خشکید تا چهل سال دیگر در روز مهرگان (۱۶ مهر) که جشن باستانی است به صورت دو ساقه ریواس از زمین روئید، آن گاه به شکل انسان یکی به نام «میشانه» جنس ماده و دیگری «میشه» جنس نر در آمدند.» (علی اکبر علویقی، زن در آینه تاریخ، ص ۱۰)

«کاتولیک ها، معتقدند که روح مرد با روح زن فرق دارد و تنها مریم در میان زنان دارای روح معادل با مردان است و روح بقیه زنان حالت بین انسان و حیوان دارد.» (علی اکبر علویقی، پیشین، ص ۳۷)

یهودیان معتقدند: «حوا از آخرین دنده چپ آدم آفریده شده است» (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۸۰) و نیز در تورات آمده است: «خدا گفت: درست نیست آدم تنها بماند لذا حوا را آفرید...» (علی اکبر علویقی، پیشین، ص ۳۳)

«بهاگواد گیتا - که دارای آئین هندو می باشد - عقیده کلی را این گونه تشریح می کند: این فقط روح گنه کار است که به صورت زن متولد می شود.» (زن از دیدگاه اسلام، انتشارات دارالتبلیغ قم، ص ۱۸)

«در کتاب لجبکی - کتاب مذهبی ژاپن باستان - در قسمت خلقت انسان نوشته شده است: آماتراسو - الهه آفتاب - که خدای خدایان است مرد و زن را یک سان آفرید ولی زن نتوانست از این تساوی بهره گیرد، لذا مرد برتر گردید.» (علی اکبر علویقی، پیشین، ص ۱۴)

خرافات و داستان سرائی ها و تناقضات روحانیون سنی، شیعه، کشیش ها و خاخام ها و تفسیر کتاب های آسمانی توسط مفسرین طرفدار آنها و غیره در رابطه با خلقت انسان، به ویژه ریشه در خود کتاب های عهد عتیق چون انجیل، تورات و قرآن دارد که در دوران خودشان نیز توسط افکار خرافی و ارتجاعی نوشته شده اند و با آزادی انسان به ویژه زنان سر خصومت دارند.

اما حقیقت این است که ابراهیم، موسی، محمد و غیره نیز افرادی دیکتاتور و مستبدی چون خمینی، بن لادن، خامنه ای، ملاعمر، بوش، احمدی نژاد، هیتلر و غیره بودند که هم با خودی هایشان رقابت و جنگ قدرت دارند و هم مخالفان خود را هر جا می یافتند بی رحمانه گردن می زدند و ترور می کردند تا ایدئولوژی و قدرت خود را به هر بهائی ولو با کشتار میلیون ها انسان و راه انداختن جنگ و غیره و تحمیل فقر و فلاکت بر مردم، نگه دارند.

حتی برخی وجود زن را «شر» دانسته و او را عامل بدبختی و گرفتاری معرفی کرده و اعتقاد دارند زن عنصر گناه است. برای مثال، به سخنان علم الهدی امام جمعه مشهد و خاتمی امام جمعه موقت تهران درباره زنان مراجعه

کنید. مملو از این مزخرفات علیه زنان است و سخنان آنها، صرفاً به اظهار نظر محدود نبوده و سرکوب شدیدتر زنان توسط ارگان‌های سرکوب حکومتی را در پی دارد. سخنان زن ستیز و آزادی ستیز آنها، از طریق بلندگوی نماز جمعه و مستقیماً از رادیو و تلویزیون‌ها و رسانه‌های سراسری دولتی نیز پخش می‌گردند، همواره زنانی را که مقررات حکومت اسلامی را رعایت نمی‌کنند به عنوان دشمنانی معرفی می‌شوند که عامل بدبختی و گناه هستند و حتی خشک سالی در کشور نیز نتایج عملکرد زنان بدحجاب است!؟

سایت دیگر بان، سه شنبه، ۲۸ سرطان ۱۳۹۰ برابر با ۱۹ جولای ۲۰۱۱، نوشت: احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد می‌گوید که ولایت فقیه «معاونت ارتباطی و مردمی» امام دوازدهم شیعیان بوده و «ولایت مطلقه فقیه تنها راه ارتباطی با امام زمان در زمان غیبت است.» به گزارش خبرگزاری ایرنا، علم‌الهدی گفته که «امام زمان دارای ولایتی هستند که می‌توانند بر ذهن بشری تاثیر گذاشته و فرامین ایشان را پیاده کند.» او، در عین حال افزوده است: «هر فردی ادعای ارتباط با امام زمان را بکند باید وی را تکذیب کرد.» اظهارات امام جمعه مشهد در شرایطی مطرح می‌شود که روز گذشته نیز محمدتقی مصباح یزدی، گفته بود رضایت امام دوازدهم شیعیان در گرو رضایت علی خامنه‌ای است. در ماه‌های اخیر با علنی شدن اختلاف بین خامنه‌ای و احمدی نژاد، دعوا بر سر چگونگی ظهور داستان امام زمان و این که در حکومت اسلامی چه کسی با امام زمان در ارتباط است نیز به یک سوژه و کشمکش قدرتی بین طرفداران طرفین شده است. در چند ماه گذشته تعریف و تمجیدها از علی خامنه‌ای (که طی دو سال گذشته افزایش یافته) به اوج خود رسیده است. روحانیون محافظه کار در این مدت بارها به طور تلویحی ادعا کرده اند که علی خامنه‌ای با امام دوازدهم شیعیان رابطه دارد. در حالی که تعدادی از مدیران دولتی و هم چنین جن گیر و پیش نماز دولت و طراحان فیلم «مستند ظهور نزدیک است» که در آن، خامنه‌ای سیدخراسانی و احمدی نژاد شعیب از یاران امام زمان در ایران هستند که با جمع آوری لشکری به جنگ می‌روند و امام زمان در این جنگ ظهور می‌کند. اما احتمالاً به نظر می‌رسد که سیدخراسانی برای خامنه‌ای که خودش را رهبر شیعیان جهان نیز می‌داند توهین آمیز و مقام پائینی بوده است!؟

چندی پیش نیز آیت‌الله صافی گلپایگانی، با انتقاد از اعزام ورزشکاران زن به خارج از کشور، آن را «مایه شرمساری دانست و خواستار جلوگیری از این نوع مسائل» شد. به گزارش ایسنا، این مرجع تقلید، در دیدار جمعی از اعضای جامعه روحانیت شیراز با اشاره به مطلب فوق خاطر نشان کرد: در شرایط کنونی باید با زبان و شیوه مناسب نسبت به اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اهتمام داشته باشیم. او، با بیان این که «انجام معاصی و گناهان و بدحجابی‌ها در بروز مسأله خشک سالی تاثیر زیادی دارد»، اظهار کرد: باید به سوی خدا برویم و از ارتکاب گناهان و تظاهر به معاصی که متأسفانه روزه روز در جامعه بیشتر می‌شود، به شدت دوری کنیم. او، هم چنین با تأکید بر این که «ما نباید نسبت به عالم غیب و خداوند متعال غافل باشیم»، افزود: در مسأله خشک سالی همه باید دست به دعا برداریم و انشاءالله در آستانه ماه محرم و به برکت عزاداری سید و سالار شهیدان، خداوند باران رحمتش را بر این ملت نازل کند و دعای خاص امام زمان (عج) نیز شامل حال ما شود. آیت‌الله سیداحمد خاتمی امام جمعه موقت تهران، با تبیین موضوع «عفاف و حجاب» تأکید کرد: عدم رعایت «عفاف و حجاب» از موانع استجاب دعا است.

به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، آیت‌الله سیداحمد خاتمی امروز در خطبه اول نماز جمعه تهران، با اشاره به خطبه‌ای از نهج البلاغه گفت: «علی (علیه‌السلام) علل عدم استجاب دعا را عدم روراست بودن با خدا، عدم پیروی عملی از پیامبر و عدم تبعیت عملی از قرآن کریم معرفی می‌کنند.»

او، با اشاره به سخن امام علی، عفاف و حجاب را افضل عبادات دانست و گفت: پاك زبانی، پاکی لقمه، لباس پاك، نگاه پاك و پاکدامنی از ابعاد عفاف و از نشانه های افراد با شخصیت است و هر چه انسان شخصیتش بالاتر باشد این عنصرها بیش تر در او متبلور است... در این میان عفت اجتماعی و پاکدامنی و پاك پوششی مورد تأکید قرآن کریم، هم در میان آقایان و هم در میان بانوان است، اما در قرآن نسبت به رفتار عقیفانه زنان تأکید بیشتری شده است... زنان باید نگاه خود را از نگاه آلوده حفظ کنند و از نگاه کردن به تصاویر آلوده خود را نگه دارند، زیرا این نگاه موجب غضب خداوند می شود... پوشش چادر در قرآن نیز آمده است که در سوره احزاب آیت ۵۴ به آن اشاره شده است که «جلباب» به معنای لباسی است که تمام بدن را می پوشاند.»

او، با اشاره به آیتی از قرآن ادامه داد: اگر قرار باشد خانمها روسری را به معنای حجاب بگیرند، باید روسری آن ها بلند باشد که سر و گردن را بپوشاند و هیچ گونه جاذبه جنسی برای نامحرم نداشته باشد، لذا انداختن شال بر سر که موی سر را نمایان می کند، چیزی جز بازی با حجاب و شکستن حرمت حجاب نیست.

امام جمعه موقت تهران در ادامه تبیین موضوع «عفاف و حجاب» تأکید کرد: زنان نباید با نامحرمان با عشو و آن طور که با شوهر خود سخن می گویند حرف بزنند، چرا که این ها زمینه گناه را فراهم می کند.

آیت الله خاتمی، هم چنین افزود: طریقه راه رفتن زنان نباید موجب تحريك نامشروع برای نامحرم شود، ضمن این که زیورآلات خود را نباید برای نامحرمان به نمایش بگذارند؛ گردنبنده، لباس محرك، لباس آن چنانی زیور حساب می شود.

در کشوری که سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام و هم چنین فقر و بی کاری نفس گیر شده است مشغله سران و رهبران آن را هم چنان سرکوب سیستماتیک زنان گرفته است عمق سرکوبگری و جنایت کاری این حکومت را به نمایش می گذارد. به عبارت دیگر، در جامعه ای که زنان آزاد نباشند آزادی های دیگر در آن جامعه، بی معنی و به دور از هرگونه واقعیت است.

امام جمعه موقت تهران، با بیان این که از رازهای مستجاب نشدن دعاها همین هائی است که گفتیم، خاطر نشان کرد: احتمالاً بسیاری از بانوانی که رعایت حجاب نمی کنند، نمی دانند که حجاب لازم برای آن ها کدام است. لذا این سخنان من حجت را برای آنان که سخنان من را شنیدند و خواهند دید تمام کرد، بنابراین عذر و بهانه ای در پیشگاه خداوند نخواهند داشت.

حتی بعضی از شعراء نیز آن چنان شعرهائی علیه زنان سروده اند که گمان می رود هیچ زن «نیکی؟» در تاریخ وجود نداشته است.

برخی را اعتقاد بر این است که زن «شیطان؟» کوچک است در حالی که مرد در ذات خود مبرا از «گناه؟» بوده و این زن است که مرد را به سوی گناه کشانده است؟! به دلیل پای بند بودن به چنین باورهای غیرانسانی است که بسیاری از آئین ها به ویژه اسلام، محبوس کردن زن در چهاردیورای خانه را توصیه می کنند. از جمله داستان هائی چون «خلقت زن را از دنده چپ مرد» و ناقص شمردن زن و این که خداوند حوا را آفرید تا آدم را از تنهائی در بیاورد و جفتی داشته باشد. یعنی اگر آدم از تنهائی حوصله اش سر نمی رفت زن آفریده نمی شد؟ این داستان، توهین بزرگی به بشریت، به ویژه زنان است. چون «حوا میوه ممنوعه را به آدم خوراند و خداوند آن ها را از بهشت راند» پس زن، «موجودی کجرو و شرور» است. «زن بود افسون گری، ایمان ربای» یعنی شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را» این مطالب در بسیاری از کتب تاریخی - مذهبی به چشم می خورد و در قرآن آمده است:

«گفت (پروردگار): ای آدم از کجا فریب خوردی؟ گفت: از حوا پروردگار من!» (ترجمه تاریخ طبری، ج ۱، ص ۶۹)

### زن در دین زرتشت

در تاریخ آمده است نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریائی ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس ها» تقسیم می شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیان گذاری کنند. پژوهش ها نشان می دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و شنلی بلند بر روی لباس ها بوده اند.

در زمان ساسانیان - که پس از نبوت زرتشت است - افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت، پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی شود و نامی از ایشان نیامده است.

از آن جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» آریانا و یجه بوده است و او اصل حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب قرار دهند.

در دین زرتشت، بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. بر اساس آموزه های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند.

«سدره» از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده اند. «گشتی»، کمر بند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر ببنند. (موبد موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، سال ۱۳۵۷)

در یکی از بخش های اوستا که «گات ها» معروف است، در «گات»، گفته شده است: «منم زرتشت آن برانگیزاننده اهورا مزدا که برای نخستین بار آموختم که توئی مزدای بی همتا آن داور بی همال که مردم را به توسط من به میانجی، منش نیک و بهترین راستی به کار و کوشش به روی زمین خواندی که ستوران را پیداد نکنند و پیرو راه نیکی و راستی باشند. این چنین کسان، مردان و زنانی که دستورات دین را به کار برند، رستگار خواهند بود و به پاداش به گزینی شان در آن سرزمین جاویدانی اهورائی وارد شوند و همه آنانی که آئین پذیرند نیز رستگاری یابند و من با همه آنان سرودگویان از پل چینوت (صراط مستقیم) خواهیم گذاشت.» می بینیم در این فراز از زنان و مردان یاد می شود و تمام کسانی که از زن و مرد به این آئین بپیوندند و دستورات این آئین را رعایت کنند، مسیر تکامل را خواهند گذراند،

اما در «گات» ۵۳ بیشتر به جایگاه اجتماعی زن و مرد اشاره شده است. در این فراز آمده است: «اینک ای دختران شوی کننده و ای جوانانی که پیوند زناشویی می بندید، سخنان مرا خوب به یاد بسپارید، با آموزه های دین راه نیک منشی را بگزینید و از روی مهر و فرزانی هر یک از شما باید بر آن باشد که در مهرورزی، پاکی و درستی و

پارسائی بر دیگری پیشی جوید، چه این بهترین شیوه کام یاری در زندگی خواهد بود.» تمام آن چیزی که در متن اوستا در مورد زن و مرد وجود دارد، همین دو فراز است و از همین دو متن کلی برداشت در برابری و همانندی میان زن و مرد شده است. در متون دیگر زرتشتیان مطالب تحقیرآمیز فراوانی میان زن و مرد دیده می شود. در کتاب مادیکان هزار داستان نوشت G کریستیان پارتلمه آمده است زن شخصیت حقوقی نداشته و به عنوان شخص شناخته نمی شده و در حکم شیء، مطرح بوده است. به اساس عقاید زرتشتیان اگر زنی از خود پسری نداشته باشد، بسیار دشوار خواهد بود که از پلی که در رستاخیز به بهشت متصل است، عبور کند، یعنی تنها داشتن فرزند پسر، عامل نجات و گذر از پل صراط فرض شده است.

در دین زرتشت، ریاست مخصوص مرد است و زن طفیلی و از حقوق انسانی و اجتماعی محروم است و باید تحت اطاعت و بندگی مرد باشد. هر چند در جائی از اوستا به همتائی زن و مرد اشاره شده، ولی از آثار مکتوب زرتشت به دست می آید که زن به عنوان عنصری برای زادن و حفظ نسل، ایفای نقش می کند و در این آئین همیشه تولد پسر دل پسندتر از تولد دختر بوده است.

بنابراین، تاریخ نشان می دهد که خلاف برخی ادعاها، حجاب با لشکرکشی اعراب به ایران نیامد و قبل از آن نیز به نوعی مرسوم بود. اما مسأله حمله اعراب به ایران و تحمیل دین اسلام با جنگ و خونریزی به مردم این کشور، حجاب اسلامی هم بیش از گذشته مورد تأکید حاکمان قرار گرفت.

### زن در دین یهود

دین یهود، آفرینش حوا را از یکی از دنده های آدم می داند و معتقد است مار (شیطان) ابتداء حوا را فریب داد و او از درختی که خوردن میوه اش ممنوع بود خورد و از آن به شوهر خود داد. در این آئین، حق طلاق نیز منحصر به مرد است و او می تواند با این مجوز که زن خود را نمی پسندد، طلاق نامه ای نوشته و او را از خانه بیرون کند. همه مؤرخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته اند. ویل دورانت، می نویسد: گفت و گوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود... دختران را به مدرسه نمی فرستادند و در مورد آن ها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود.

برخورد موسی پیغمبر با دختران شعیب که به آنان گفت تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت گیرانه حجاب نزد یهودیان است.

تصویر حوا، در روایات یهودی به عنوان یک وسوسه گر، منتج به دیدی بی نهایت منفی نسبت به زنان شده است و همه زنان به عنوان کسانی تصور شده اند که از مادرشان، یعنی حوا، گناه، حیله و تلبیس را به ارث برده و در نتیجه همه آنان نادرست کار و از نظر اخلاقی پست و گناه کارند. در یکی از «مواعظ سلیمان» آمده است:

«و زنی را که مثل دام هاست و دلش تله هاست و دست هایش کمندهاست یافتم، که تلخ تر از مرگ است. کسی که در حضور خدا پسندیده است از او رهائی خواهد یافت، اما گناه کار گرفتار وی خواهد شد، اینک واعظ می گوید؛ که این را دریافتم، بعد از شمردن چیزها یک به یک تا آن کیفیت حساب را دریابم، که جان من الی الآن در جست و

جویش می باشد و نمی یابد. این است که یک مرد از هزار پیدا کردم، از تمامی آن ها زنی را پیدا نکردم.» (مواعظ سلیمان، فصل ۷، آیات ۲۶ تا ۲۸)

سومین قسمت از عهد عتیق از مجموعه کتب مقدس است. در عهد عتیق، (انجیل کاتولیک) در بین سرود سلیمان و مرثی واقع شده است و مترجمین مسیحی انگلیسی آن را بین مزامیر و مواعظ سلیمان قرار داده اند. در بخش دیگری از ادبیات عبری که در انجیل کاتولیک یافت می شود می خوانیم: «هیچ شرارتی، در هیچ جائی به پای شرارت زنان نمی رسد... گناه با یک زن شروع شد و به لطف اوست که همه ما مجبوریم بمیریم!» ربی های یهود ۹ لعنت را که بر زنان به خاطر هبوط و سقوط شان، تحمیل شده است، چنین برمی شمارند: «۹ لعنت که خداوند همراه با مرگ به زنان تحمیل نموده است عبارتند از: ۱- تحمل بارداری، ۲- تحمل درد زایمان، ۳- تحمل بزرگ کردن فرزند، ۴- این که به عنوان گواه و شاهد پذیرفته نمی شود، ۵- پس از همه این ها مرگ پاداش اوست و...» (زن در یهود، لئونارد، ج، سویدلر، ۱۹۷۶ م، ص ۱۱۵)

ربی های یهود، این را به عنوان وظیفه ای برای مردان می دانند که برای تکثیر نژاد منشا زاد و ولد باشند و رجحان واضح شان را برای فرزندان مذکر پنهان نمی کنند. «برای آنانی که فرزندشان مذکر است خوشی و برای آن هائی که فرزندشان مونث است ناخوشی است. هنگام تولد پسر همه خوش حالند و هنگام تولد دختر همه غم زده اند. هنگامی که پسری پا به جهان می گذارد صلح به جهان می آورد و هنگامی که دختری متولد می شود، هیچ!» (زن در یهود، سویدلر، ص ۱۴۰)

قلب یهود، تورات است و تورات یعنی قانون؛ اما بر طبق تلمود زنان از مطالعه تورات معافند. بعضی از ربی های یهود به شدت تابع این عقیده اند که «بهتر است کلمات تورات به آتش بسوزد تا این که زنان از آن بهره مند شوند. و هر کس دخترش را تعلیم دهد مانند این است که او را وقاحت تعلیم نموده است.» (یهودیت، دنیس، ال، کارمودی، ص ۱۹۷)

### زن در دین مسیحیت

مسیحیت نیز می گوید که شیطان ابتداء حوا را فریب داد و خداوند، درد زایمان را برای رستگاری او قرار داد. به اعتقاد این دین، حق تعلیم دادن از زن سلب شده تا نتواند بر شوهر خود مسلط شود. طلاق دادن زن و نکاح با زن مطلقه در انجیل حکم زنا را دارد.

عموما در مذاهب الهی، زن يك موجود ضعیف و ناچیز به شمار می آیند و زنان را برای خدمت به مردان و اطفای شهوت جنسی برای مردها می نگرند. مرد می تواند زن های متعدد بگیرد و یا طلاق بدهد، اما زن نمی تواند. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت گیری بیش تری وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود.

در تورات آمده وقتی خداوند آدم را آفرید و در بهشت ساکن شد، خداوند دید آدم تنهاست و گفت خوب نیست آدم تنها باشد پس برای او يك یار بسازم که همراه او باشد، سپس او را از دنده چپ آدم آفرید و آدم نام او را حوا یعنی زندگی نامید. پس از آن که خداوند خواب را بر آدم مستولی کرد یکی از دنده هایش را گرفت زنی بنا کرد و نزد آدم آورد، و

آدم گفت این است استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشتم، از این رو، نساء نامیده شد؛ زیرا از انسان گرفته شده است. (تورات، سفر پیدایش، باب ۲، آیات ۲۱ تا ۲۴)

خداوند این نکته را مورد توجه قرار داد که زن را از کدامین عضو آدم بیافریند، او فرمود: ... من زن را از قسمتی از بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است می آفرینم تا آن که موجودی محجوب و عقیف به بار آید. (دکتر ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود/ ۱۷۸ - ۱۷۹)

بنابراین به اساس تعالیم تورات، حوا از بخشی از بدن مرد آفریده شده است و این یکی از دلایل ایجاد تصور خلقت زن از دنده چپ مرد در بین مردمان در طول تاریخ شده است.

در انجیل برنابا، مثل همین داستانی که در تورات آمده ذکر شده است: پس چون خدا آدم را تنها دید فرمود خوش نیست این که تنها باشد پس از این رو او را به خواب کرد و گرفت دنده را از سوی دل و آن جا را از گوشت پر کرد و از آن دنده، حوا را آفرید و زن برای آدم گردانید. (انجیل برنابا، فصل ۳۹، آیات ۲۹ - ۳۵)

«گناه» حوا، نقش اساسی در ایمان همه مسیحیان و حتی مذاهب دیگر دارد، زیرا به تصور مسیحیان علت مأموریت عیسی مسیح بر روی زمین نافرمانی و سرپیچی حوا از دستور خداوند سرچشمه می گیرد. او گناه کرد و سپس آدم را اغوا نمود که درخواستش را اجابت کند. بنابراین خداوند، هر دوی آنان را از آسمان به زمین هیبوط داد، زمینی که به خاطر آنان لعنت شده بود. آن دو، گناهانشان را که از سوی خداوند بخشیده نشده بود به همه نسل هایشان واگذار نمودند و بنابراین تمام انسان ها زائیده می شوند و برای پاک کردن انسان از گناه نخستین، خداوند مجبور بود که عیسی مسیح را که به منزله پسر خدا بود به صلیب قربانی نماید. «و باید که زن به آرامی و با کمال اطاعت گیرد و زن را به تعلیم دادن اجازت نمی دهیم تا آن که زیر دست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند، آدم خلق شد و حوا، آدم فریفته نشد، بلکه زن فریفته شد و از حد تجاوز نمود.» (نامه اول پولس به تیمو تسیوس، باب دوم، آیات ۱۱ تا ۱۴)

انجیل کاتولیک، می گوید: «زایش دختر یک خسارت است.» (انجیل کاتولیک، فصل ۳، آیه ۲۲) دختر به عنوان مولودی دردناک و منبعی نهائی برای آبروریزی پدرش به حساب آمده است: «دختر تو نافرمان است؟ به شدت مراقب او باش که باعث نشود تو سبب خنده دشمنانت واقع شوی و سر زبان ها بیفتی و در معرض شایعات مردم قرار گیری و آبروی خود را در میان مردم بریزی.» (انجیل کاتولیک، فصل ۳، آیه ۲۲)

بر طبق انجیل، اگر مردی عهده با خدا بست، باید به طور کامل آن را عمل نماید و نباید عهدش را بشکند، اما نذر زن برای او الزام آور نیست و باید با موافقت پدرش باشد. اگر در خانه پدری زندگی می کند و یا اگر ازدواج کرده است باید با موافقت شوهرش باشد. و چنانچه پدر و یا شوهر عهد و نذر او را باطل بدانند هرگونه ضمانتی که توسط او انجام گرفته، پوچ و بی معنا خواهد بود.

«اما اگر پدرش او را در روز شنیدنش مانع آید پس تمامی نذرها و قیدهایی که بر خودش بسته است ثابت نخواهد شد... اگر شوهرش آن ها را فی الواقع باطل ساخته است، در روز شنیدنش، پس هر چه که در باب نذرش و در باب مقید ساختن خودش از لبانش جاری شده باشد استوار نخواهد شد، چون که شوهرش آن ها را باطل گردانیده است.» (سفر اعداد، فصل ۳۰، آیات ۲ تا ۱۵)

مسیحیت روی هم رفته از طلاق نفرت و انزجار دارد، عهد جدید صریحا از ازدواج لاینحل و ابدی جانب داری می کند. این نسبتی است که به عیسی می دهند، او گفته است: «اما من به شما می گویم؛ هر کس زنش را طلاق دهد،



مگر در مورد بی‌ایمانی در امر ازدواج، باعث گردیده که او به انحراف کشیده شود و هر کس زن طلاق داده شده را به نکاح در آورد مرتکب انحراف شده است.» (انجیل متی، فصل ۵، آیه ۳۲)  
ادامه دارد